فهرست

[اصول/ تعدیه حکم 2](#_Toc87793957)

[عوامل تعدیه حکم 2](#_Toc87793958)

[مقدمه 2](#_Toc87793959)

[نکته مهم 2](#_Toc87793960)

[معانی اطمینان در لغت 2](#_Toc87793961)

[معنای اول 3](#_Toc87793962)

[معنای دوم 3](#_Toc87793963)

[معنای سوم 3](#_Toc87793964)

[معنای چهارم 3](#_Toc87793965)

[استعمالات لفظ علم 5](#_Toc87793966)

[استعمال اول 5](#_Toc87793967)

[استعمال دوم 5](#_Toc87793968)

[استعمال سوم 5](#_Toc87793969)

[حالات مختلف در شناخت اشیاء 6](#_Toc87793970)

[احتمالات در معنای وهم 6](#_Toc87793971)

[احتمالات در معانی شک 6](#_Toc87793972)

[احتمالات در معانی ظن 6](#_Toc87793973)

[تعریف اطمینان در مفهوم اصولی 7](#_Toc87793974)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ تعدیه حکم

# عوامل تعدیه حکم

# مقدمه

گفتیم که پس از مباحث قطع مناسب است مبحث اطمینان هم مورد بحث قرار بگیرد. اینکه در اصولی که بر اساس احوال مکلف تنظیم شده است چرا به اطمینان نپرداخته‌اند دو وجه بود یکی اینکه اطمینان را به قطع و یا ظن ملحق کرده‌اند یکی هم این بوده است که توجه نکرده‌اند و غفلتی بوده است.

در فرض اول که ملحق کردند دو احتمال داشت الحاق به قطع است یا الحاق به ظن است

این سه احتمالی بود در پاسخ این که چرا طرح نشده است و مهم نیست

مطلب دیگری که در بحث اطمینان مطرح شد معانی قطع و یقین و اطمینان و ... بود که فی‌الجمله به آن پرداختیم که اجمال آن این بود که هر یک از واژگان علم، یقین، قطع، اطمینان معانی متعددی دارد و مشترک لفظی است.

این واژه علم را مرحوم آقای مصباح در آن آموزش فلسفه چند معنا ذکر کرده‌اند و ما دو برابر آن احتمالات رسانده‌ایم. با توجه به بحث‌هایی که در اصول آمده آن را هم باید اضافه کرد آن موقع توجه به این اطمینان نداشتیم و باید افزود.

این‌ها مشترک لفظی است در لغت هر کدام معنایی دارد

# نکته مهم

نکته مهمی که در اینجا بود این است که علم و اطمینان یا قطع و اطمینان یا یقین و اطمینان بنا بر بعضی از معانی می‌توانند مرادف بشوند و بنا بر بعضی از معانی هم این‌ها متقابل می‌شوند و متفاوت می‌شوند کاملاً و یک حالت اذا اجتمعا افترقا، شبه این حالت ممکن است اینجا تصور بشود

# معانی اطمینان در لغت

گفتیم اطمینان در لغت همان حال روحی آرامش و طمأنینه است که به خاطر این که آن علم و دانش مولد این هست به سبب نام مسبب را اطلاق کرده‌اند و در لغت و استعمالات لغوی اطمینان چند جور می‌شود به کار برود.

یکی اینکه اطمینان مرادف و مساوی قطع و علم به شمار بیاید چون آن چیزی که بیشترین طمأنینه را ایجاد می‌کند هما علم و قطع است ممکن است حتی اخص از قطع بشود اطمینان یک علم‌های خاصی باشد عین‌الیقین و علم‌الیقین اطمینان نامیده بشود

از این جهت است که واژه اطمینان معانی متعدد لغوی و اصطلاحی دارد

## معنای اول

یک معنای اطمینان معنای اول اطمینان این است که مرادف با قطع باشد

## معنای دوم

این معنا در قران هم گاهی به کار رفته است درجه خاصه و راقیه‌ای از قطع باشد و آن علم‌الیقین و عین‌الیقین و امثال این‌هاست.

## معنای سوم

این است که اطمینان به کار برود به معنای اعم از قطع و احتمالات نزدیک به قطع که اینجا می‌گوییم

از نظر لغوی و کاربردی حداقل این سه احتمال و سه نوع کاربرد برای اطمینان وجود دارد

اما معنایی که ما در اصول مصطلح کردیم و مبنای مباحث اینجاست معنای چهارم است

## معنای چهارم

عبارت است از احتمال قریب به قطع، نه خود قطع نه درجه راقیه از قطع نه اعم از قطع و احتمال نزدیک به قطع که سه معنای اول بود بلکه معنای چهارم که عبارت است از احتمال قریب به قطع

این چهار معنا در اطمینان است که در اینجا و مصطلح اصولی معنای چهارم مقصود است. نه آن معانی سه‌گانه قبلی

ممکن است کسی غیر از این اصطلاح اخیر هم یک معنای دیگری را اضافه بکند بگوید اطمینان آن حال روحی را میگوییم و آن طمأنینه را می‌گوییم خود آن، کار به علم و قطع نداریم وقتی می‌گوییم آدم مطمئن است یعنی آدمی است که آرامش روحی دارد شخصیت ثابت و آرامی دارد اصلاً در واژه اطمینان تسمیه سبب به اسم مسبب قرار ندهیم.

بخواهیم این نکته را هم اضافه بکنیم می‌شود بیان قبلی را بازسازی کرد به این بیان، اینکه بگوییم که اطمینان دو نوع کاربرد دارد یکی اطلاق و استعمال اطمینان است در خود آرامش و طمأنینه که معنای اصلی است، با قطع‌نظر از سبب و تسمیه سبب به اسم مسبب **﴿يا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّة﴾**[[1]](#footnote-1) جان آرام، نفس مطمئن، اطمینان را در آن سبب‌ها به کار نبرده است. این معنای اول است اطمینان به معنای همان آرامش با قطع‌نظر از اسباب آن بدون استعمال این لفظ در سبب و انتقال از مسبب به سبب.

این معنای اول است که می‌شود یکی از مقامات اخلاقی، عرفانی.

یک بار هم هست که اطمینان را از مسبب عبور دادیم و تسمیه می‌کنیم سبب دانشی اطمینان را به اسم اطمینان، آن هم نه همه اسباب بلکه سبب معرفتی را به نام مسبب می‌نامیم که اطمینان باشد واژه اطمینان را منتقل می‌کنیم از مسبب به سبب معرفتی آن. در این حالت دوم آن چهار اصطلاح پیدا می‌شود.

1- مساوق با قطع

2- ارقا مراتب قطع و مرتبه راقیه قطع

3- مفهوم عامی که هم شامل قطع و هم مادون قطع و احتمال قریب به قطع

4- اصطلاحی که ما در اصول می‌گوییم که مقابل قطع است و احتمال قریب به قطع است

این معانی اطمینان است. کلیت این است که مقصود ما رویکرد دوم و معنای چهارم است.

مستحضرید که در رویکرد اول که اطمینان به معنای خود باشد بدون نقل لفظ از مسبب به سبب، آن از مقاماتی است که هم در اخلاق بحث شده است و هم در عرفان در سلسله‌مراتب سلوک، مقام اطمینان و نفس مطمئنه آمده است در اخلاق هم مقامی هست، هم نفوس را که تقسیم می‌کنند نفس لوامه و اماره و یکی از آن سه یا چهار یا پنج نفسی که در قران هم هست نفس مطمئنه هست.

آنها مربوط به رویکرد اول است که با بحث اینجا ربطی ندارد.

در نقطه مقابل واژه‌هایی که بر قطع و احتمال صد در صد اطلاق می‌شود متعدد است مهم‌ترین آنها علم و یقین و قطع است که در اصول قطع خیلی جا افتاده است و بیشتر هم شاید از زمان مرحوم شیخ باشد.

این‌ها واژه‌هایی که برای آن احتمال صد در صد به کار می‌رود حالا هر یک از آن واژه‌ها داستانی دارد که لازم نیست وارد شویم یعنی وقتی که به احتمال صد در صد می‌گوییم یقین آنجا گفته شده است یَقَنَ به معنای اطمینان و طمأنینه و سکینه است آنجا هم گویا تسمیه سبب به اسم مسبب شده است

در واژه قطع و از باب این است که قصه را به پایان می‌رساند و جای هیچ تردیدی نمی‌گذارد. معنای قطع بریدن مسئله است اینکه چیزی را ببرد و تمام کند این تسمیه سبب به مسبب شده است روی احتمال صد در صد جایی که هیچ جای احتمال خلاف نمی‌دهد برید و قضیه به پایان رسید. در واقع آن قطع بریدن خارجی را به سمت بریدن معنوی می‌برد و آن هم تسمیه سبب به اسم مسبب می‌شود و احتمال صد در صد می‌شود و مسئله را می‌برد و نهایی می‌کند. دو یا سه تصرف در لفظ می‌شود تا قطع به این معنا به کار می‌رود. دو تصرف هم این است که قطع را از قطع فیزیکی به قطع معنوی تسری می‌دهد و ثانیاً اینکه سبب را به اسم مسبب تسمیه می‌کند چون احتمال صد در صد که خلاف آن وجود ندارد و مسئله را نهایی می‌کند می‌گوید قطع کرد و برید این مسئله را این قطع است

یقین که تعبیر می‌کنند از باب همان سکینه و طمأنینه‌ای که در سطح بالا باشد به این است که قطع و یقین و صد در صد باشد.

علم که نامیده می‌شود برای اینکه علم حضور شی است و عند الشی است و این حضور آن جایی است که احتمال صد در صد باشد و خلاف آن نباشد

هر یک از این الفاظ به مناسبتی بر احتمال صد در صد که خلاف آن نیست اطلاق می‌شود

یک نکته دیگر اینکه این واژه‌هایی که بر علم اطلاق می‌شود به خصوص علم، این واژه‌ها دو معنا دارد حداقل

یک معنای خیلی دقّی یا معنای خاص محدود که همان احتمال صد در صد ولی همین واژه‌ها یک استعمالی دارد که هم شامل قطع می‌شود و هم شامل احتمالات قوی قریب به قطع یعنی اطمینان می‌شود

بنابراین در کاربرد علم و قطع و یقین هم ما هم استعمال خاص داریم که یعنی احتمال صد در صد و هم استعمال عام‌تری داریم که یقین و اطمینان، هر دو را می‌گیرد.

منتها در اصول وقتی می‌گوییم قطع و یقین و علم به خصوص آن جایی که مقابل اطمینان به کار می‌بریم مقصود اصطلاح دوم است که با اطمینان تقابل دارد ولی گاهی هم در اصول خصوصاً علم به کار می‌رود به معنای اعم از علم و علمی که شامل اطمینان می‌شود حتی گاهی شامل ظنون معتبره هم می‌شود

# استعمالات لفظ علم

## استعمال اول

علم هم یک استعمال دارد خصوص قطع صد در صد که مقابل اطمینان و ظن است.

## استعمال دوم

شامل قطع و اطمینان می‌شود

## استعمال سوم

استعمال سومی دارد که شامل قطع و اطمینان و حجج علمی (ظنون معتبره) می‌شود

این سه احتمالی است که در علم و امثال این‌هاست.

بنابراین واژه‌های علم و یقین و قطع از جهت اینکه چه نقل معنایی از لغت داشته‌اند روشن شد و به سمت اصطلاحات جدید آمده و تعدد معنا شد و هم اینکه کاربرد این‌ها در اصطلاحات متفاوت است حداقل از جهت بحث ما سه اصطلاح وجود داد در علم و قطع و یقین مخصوصاً علم، اصطلاحی که مقابل اطمینان و ظنون هست استعمالی که شامل صد در صد و اطمینان می‌شود و معنای سوم این که حتی شامل ظنون معتبره هم بشود.

این یک تحلیل معنایی از این‌ها بود و در اصول وقتی این‌ها مقابل هم قرار بگیرد معنایش همین است که گفته شد.

این مبحث دوم مقدماتی که تعدد معانی این‌ها و رابطه این معانی متفاوت اینجا بود

# حالات مختلف در شناخت اشیاء

مطلب را هم اضافه بکنیم که از امور واضحه است که ما آن پنج حالت را در ارتباط با شناخت نسبت به اشیاء و تصدیقات داریم که حالت وهم و ...

## احتمالات در معنای وهم

یک جهل مطلق داریم که هیچ، بعد وهم است که احتمال ضعیف است حالت دوم، گاهی وهم گفته می‌شود به معنای مطلق از یک درصد تا 49 درصد گاهی وهم گفته می‌شود یعنی احتمالی که هفت هشت درصد است یعنی ضعیف است گاهی وهم گفته می‌شود یعنی آن که نزدیک به شک است

اول جهل است بعد وهم است بعد شک می‌باشد.

## احتمالات در معانی شک

شک معانی متعدد دارد یک معنای خاص شک یعنی احتمال متساوی یعنی 50 پنجاه، یک اصطلاح دوم شک شمول آن نسبت به پنجاه‌درصد و مادون یعنی از یک درصد تا پنجاه‌درصد و استعمال سوم شک یعنی کل این احتمالات مادامی که به اعتبار و حجیت نرسد می‌گیرد از یک درصد تا نود درصد مادامی که به اطمینان یا به حجت نرسد.

## احتمالات در معانی ظن

در ظن؛ اصطلاحات متفاوت است گاهی ظن به معنای قطع و یقین به کار می‌رود که در قران هم هست. گاهی به معنای قطع و اطمینان به کار می‌رود و گاهی هم ظن به معنای بالای پنجاه‌درصد و اصطلاح چهارم این که ظن به معنای غیر قطع و غیر اطمینان و گاهی هم ظن به معنای بالاتر از پنجاه‌درصد که معتبر نباشد هست.

هم قطع و علم معانی متعدد داشت و هم اطمینان معانی متعدد داشت و هم شک معانی متعدد دارد و هم ظن معانی متعدد دارد و هم وهم معانی متعدد دارد.

سؤال: تخیل در حوزه وهم است؟

جواب: تخیل گاهی در این معانی که می‌گوییم به کار می‌رود یعنی در واقع مقصود آن چیزهای احتمالی است

تعدد اصطلاحات در این مفاهیم بود اما وقتی می‌گوییم احوال شخص نسبت به یک واقعیت علی اقسامی است یا جاهل است یا واهم است یا شاک است یا ظان است یا مطمئن است یا قاطع است این همان اذا اجتمعا افترقا است این جا همه یک معناست یا نمی‌داند به طور مطلق، یا می‌داند ولی وهم است یعنی احتمال یک تا چهل‌ونه است یا درجه دانایی همان پنجاه، پنجاه است یا ظن است یعنی بالای پنجاه‌درصد است یا اطمینان است که قریب به قطع است یا قطع است

این به یک معنا باید تقسیم کرد. سخن ما این است ضمن اینکه این تقسیم وجود دارد و در این تقسیم معانی به دقت از هم جداست و تابع آن درجه احتمال از درجه ضعیف تا آن درجه قطع، ولی درعین‌حال هر یک از این واژه‌های چندگانه هر کدام چهار پنج معنا دارند که ما راجع به اطمینان و علم واضح‌تر گفتیم و بقیه را عبور کردیم

این یک مبحثی است که در اینجا وجود دارد و توجه به این معانی خوب بود.

این مجموعه از مباحث راجع به اصطلاح‌شناسی بود

# تعریف اطمینان در مفهوم اصولی

مبحث بعدی تدقیق در تعریف اطمینان به همان مفهوم چهارم اصولی است؛ مفهوم چهارم اطمینان که در مقابل قطع و ظن و امثال این قرار می‌گیرد در اصطلاح اصولی عبارت بود از احتمال قریب به قطع و اینکه این مقصود چیست یا همین یک قید است و یا قیود دیگری هم دارد؟

برخی این‌طور گفته‌اند که تعریف اطمینان دارای دو قید است و آن این است که الاحتمال القریب الی القطع احتمال نزدیک به قطع با این قید که فی ما اذا لم یعتن العقلا باحتمال خلافه احتمال قریب به قطعی که عقلا احتمال مخالف آن را اعتنا نمی‌کنند این تعریفی است که احیاناً برای اطمینان می‌شود آورد

اینجا سؤال این است که در این تعریف احتمال قریب به قطعی که عقلا احتمال خلاف را نمی‌بینند و اعتنای به آن نمی‌کنند اگر ما این تعریف را پایه قرار بدهیم نکاتی در این تعریف وجود دارد که باید روشن بشود

نکته اول این است که این قید «لم یعتن عقلا باحتمال خلاف» چه نقشی و چه جایگاهی دارد و این که این قید احترازی است یا توضیحی است می‌گوییم احتمال قریب به قطع به حیثی که لا یعتن العقلا باحتمال خلافه این بحیث لا یعتن العقلا باحتمال خلافه قید احترازی است یا قید توضیحی

یک احتمال این است که این قید توضیحی است وقتی می‌گوییم احتمال قریب به قطع وقتی بخواهیم یک بیان توضیحی برای آن بیاوریم می‌گوییم که قریب به قطع بودن نشانه‌اش این است که عقلا به احتمال خلاف توجه نمی‌کنند

چگونه بفهمیم این احتمال قریب به قطع است؟ می‌گوید به ارتکاز عقلایی برگرد ببین اصلاً احتمال خلاف منزلت و جایگاهی دارد و توجهی به خود جلب می‌کند یا خیر؟ اگر احتمال خلاف توجه را جلب نمی‌کند یعنی این احتمال خیلی به قطع نزدیک است. این یک تفسیر از این قید دوم است که قید توضیحی است برای اینکه بفهمیم چطور قریب به قطع است می‌گوید ببین عقلا به آن اعتنا می‌کنند یا نمی‌کنند.

یک تفسیر دیگر هم این است که این قید دوم احترازی است و تفسیر و تعریف مرکب از دو قید است یکی «القریب الی القطع» احتمال نزدیک به قطع است و دوم اینکه احتمال قریب به قطع، عقلا نباید به آن اعتنا نکنند و الا احتمال قریب به قطع را جاهایی عقلا به آن اعتنا می‌کنند و جاهایی به آن اعتنا نمی‌کنند ایشان (جناب آقای مددی در مطلبی که آقایان برای من فرستاده‌اند) گفته است این قید احترازی است و این‌طور توضیح داده است که شما وارد جایی بشوید و صد ظرف چیده‌اند و یکی از این‌ها سم دارد، اینجا یکی از این صد تا را بخواهد بخورد چند درصد احتمال سم می‌دهد یک درصد، یعنی 99 درصد می‌گوید سم ندارد. این 99% در خیلی جاها اطمینان است ولی اینجا به خاطر اهمیت آن عقلا به آن اعتنا می‌کنند پس 99% را نمی‌شود خط کش گذاشت و گفت اطمینان است 99% احتمال قریب به قطع و دیگر اینکه عقلا به آن اعتنا نکنند و الا این 99% را در جایی عقلا به احتمال خلاف آن اعتنا نمی‌کنند یک جایی اعتنا می‌کنند. می‌خواهد از خانه بیرون برود احتمال تصادف دارد فرض کنید یک درصد، ولی به آن اعتنا نمی‌کنند و لذا می‌گویند این اطمینان دارد که تصادف نمی‌کند ولی وقتی بخواهد مایع درون یکی از این صد ظرف را بخورد همان درجه احتمال را دارد ولی به احتمال خلاف را اعتنا می‌کنند به این اطمینان نمی‌گوییم

از این جهت است که در تعریف اطمینان دو قید ذکر شده است و قید دوم دو تفسیر دارد تفسیر توضیحی و تفسیر احترازی.

این بیان تفسیر احترازی را ملاحظه کردید.

تفسیر احترازی می‌گوید احتمال قریب به قطع کافی نیست که اطمینان به شمار آید باید دید که عقلا احتمال خلاف را اعتنا می‌کنند یا نه؟

1. - سوره فجر، آیه 27 [↑](#footnote-ref-1)